

«اصول اخلاق و منشاهی»

نویسندگان:

محمد رضا شب خیز - عباد محمد تبار

سرشناسه : شب‌خیز، محمدرضا
 عنوان و نام پدیدآور : اصول فقه دانشگاهی / نویسندگان: محمدرضا شب‌خیز، عباد محمدتبار
 مشخصات نشر : تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۶۰ ص
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۰۲۲-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 شناسه افزوده : محمّدتبار، عباد
 موضوع : اصول فقه — راهنمای آموزشی (عالی)
 رده‌بندی کنگره : الف ۱۳۹۲ ۶ الف ۲۴ ش/ ۱۵۵ BP
 رده‌بندی دیوبند : ۲۹۷/۳۱۰۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۱۶۱۹

«اصول فقه دانشگاهی»



انتشارات کتاب آوا

مؤلف	محمدرضا شب‌خیز - عباد محمدتبار
ناشر	کتاب آوا
چاپ و صحافی	نهضت
نوبت چاپ	سوم - اول ناشر ۱۳۹۲
شمارگان	۵۰۰۰ نسخه
قیمت	۱۴۵۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۰۲۲-۵

نشانی دفتر مرکزی: انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن‌بست حقیقت، پلاک ۴ طبقه ۲، واحد ۴
 شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۶۴۵ | ۶۶۹۷۴۱۳۰ | ۶۶۴۰۷۹۹۳ | ۶۶۴۰۱۵۸ | دورنگار ۶۶۴۰۱۵۸

www.avabook.com

avabook_kazemi@yahoo.com

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، نبش خیابان اردیبهشت، تالار بزرگ کتاب، پلاک ۲۲
 کتابفروشی آرمان علم تلفن: ۶۶۴۰۶۲۸۵

فروشگاه کتاب آوا: اسلام‌شهر، خیابان صیاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد اسلامی، جنب دادگستری
 تلفن: ۵۶۳۵۴۶۵۱

کلمه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.
 هرگونه کپی‌برداری و تهیه جزوه از متن کتاب، استفاده از طرح روی جلد و عنوان کتاب جرم است
 و متخلفان طبق قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند

مقدمه چاپ سوم

خداوند بزرگ را سپاس گزاریم که توفیق نگارش این اثر را به ما عطاء فرمودند. چند ماه قبل که چاپ اول این کتاب منتشر گردید؛ به لطف خداوند، مطالب کتاب و سبک تألیف آن مورد استقبال اساتید و دانشجویان ارجمند قرار گرفت؛ و ارسال پیام‌های صمیمانه این بزرگواران؛ و انتخاب این کتاب توسط اساتیدی که آن را مطالعه کرده بودند به‌عنوان منبع درسی در دانشکده‌های حقوقی، موجب دلگرمی ما گشت.

هدف از ویرایش

با توجه به این که کتاب را قبل از چاپ اول جهت نقد و بررسی در اختیار اساتید معزز حوزه و دانشگاه قرار داده بودیم؛ به لطف خداوند، کتاب از لحاظ محتوایی، ایراد و اشتباهی نداشت؛ لیکن، از جمله مهم‌ترین دلایل ویرایش این کتاب عبارتند از:

- ۱- تغییر برخی قوانین بالاخص قانون مجازات اسلامی، ویرایش این اثر را بر ما لازم کرد.
- ۲- انتخاب این کتاب توسط اساتید ارجمند به‌عنوان منبع درسی موجب گردید مطالبی را که جهت تدریس اساتید در کلاس درس لازم بود به کتاب بیافزاییم.

نحوه ویرایش

در این اثر سعی شده است که بهترین و مناسب‌ترین مسیر آموزش و مطالعه درس اصول فقه طراحی گردد. به این جهت که سبک کلی کتاب مورد تأیید و رضایت اساتید و دانشجویان بود، تغییر چندانی نکرد؛ لیکن:

- ۱- مطالب را با این که ساده نگارش یافته بود، ساده‌تر و روان‌تر کردیم.
- ۲- برای مباحثی که مثال‌های حقوقی بیان نشده بود، مثال‌های حقوقی بیان کردیم؛ و در مباحثی هم که مثال‌های حقوقی ذکر شده بود؛ ولی به نظرمان تعداد مثال‌ها کافی نبود، آنها را افزایش دادیم.
- ۳- مطالبی را که به نظر دانشجویان مشکل‌تر بود و به توضیح بیشتری نیاز داشت، با توضیح بیشتری بیان کردیم.
- ۴- مطالبی را که برای تدریس اساتید در کلاس درس لازم بود اضافه کردیم.
- ۵- «کلیدواژه‌ها» را به‌صورت دقیق‌تری مشخص نمودیم. چراکه مشخص نمودن «کلیدواژه‌ها»؛ از یک طرف، سرعت مطالعه دانشجویان را بیشتر می‌کند و مطالعه کتاب برای آنها از لحاظ زمانی وقت گیر نمی‌شود؛ و از طرف دیگر، ذهن دانشجویان را از هر گونه خطا و اشتباه احتمالی دور می‌کند.
- ۶- یقیناً شکل ظاهری مطالب کتاب؛ همچون استفاده از فونتی مناسب، صفحه‌آرایی و ویراستاری یک کتاب، تأثیر فراوانی در یادگیری دانشجویان دارد؛ به همین علت، تلاش نمودیم شکل نگارشی کتاب به گونه‌ای باشد که تفکر و تمرکز دانشجویان منسجم‌تر گردد و موجب خستگی دانشجویان در هنگام مطالعه نباشد.

به طور کلی ویژگی های این اثر عبارتند از:

- ۱- ساده نویسی و روان نویسی در تمام کتاب.
- ۲- آموزش کلیه مباحث با استفاده از مثال های حقوقی و کاربردی؛ چراکه یکی از بهترین روش های آموزش دروسی مانند اصول فقه که جنبه استدلالی دارند و متون اصلی این درس به زبان عربی می باشد، همین روش است و تا جایی که ممکن بود، تعاریف و نکات را دقیقاً با مثال ها تطبیق داده ایم و برای تسلط بیشتر دانشجویان به مباحث، به یک مثال بسنده نکرده ایم و چندین مثال ذکر کرده ایم.
- ۳- با توجه به این که این درس از منابع آزمون کارآموزی وکالت می باشد، تمام نکاتی که از این درس در آزمون وکالت مطرح می گردد؛ مورد بررسی قرار گرفته است تا داوطلبان آزمون وکالت هنگام مطالعه این کتاب بدون هیچ غدغاهای و با آسودگی خاطر، مطالب این کتاب را برای آزمون وکالت کافی بدانند و به مطالعه آن بپردازند.
- ۴- استفاده از قوانین جدید؛ چراکه در امتحانات دانشجویان و آزمون کارآموزی وکالت، «قانون جدید» ملاک استاد و طراح سؤال آزمون است و نه «قانون قدیم».
- ۵- پرهیز از ذکر مباحث بی نموری که مورد نیاز دانشجویان نمی باشد و در آزمون ها مورد سؤال قرار نمی گیرد.
- ۶- معرفی منابع اصولی شیعه و اهل سنت در پاوانی ها، به جهت استفاده محققان.
- ۷- نگارش این کتاب به گونه ای طراحی شده که نه تنها دانشجویان با مثال های حقوقی که در کتاب ذکر شده است آشنا می شوند و درس را با مثال های حقوقی و کاربردی فرا می گیرند؛ بلکه، می توانند پس از مطالعه هر مبحث، برای آن مبحث، مثال های دیگری را هم ذکر کنند.
- ۸- در تمام کتاب، مطالب با رعایت تناسب با برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حقوق تنظیم گردیده است.

تشکر و قدردانی

در این جا بر خود لازم می دانیم از کلیه اساتید معظم حوزه علمیه قم و اساتید معظم دانشگاه و دانشجویان عزیزی که ما را به هر نحوی از انحاء در تألیف این اثر یاری نمودند؛ به ویژه آیت الله علی اکبر سیفی مازندرانی و آیت الله محمد فاضل تشکر نماییم.

در نگارش کتاب، بررسی منابع اصولی شیعه و اهل سنت و تطبیق آن با قوانین جمهوری اسلامی ایران را همیشه مورد توجه قرار دادیم؛ و در این راه از کتاب هایی که برخی در کتابخانه های بزرگ کشورمان کمیاب و یا نایاب بوده استفاده نمودیم؛ که در این جا بر خود لازم می دانیم از زحمات حجت الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی ریاست محترم کتابخانه تخصصی فقه و اصول قم که این کتب و منابع را جهت استفاده محققان و پژوهشگران در این کتابخانه با وجود دشواری هایی که وجود داشت تهیه نمودند تشکر نماییم.

از همه عزیزان تقاضا نمودیم ما را نسبت به نواقص ظاهری و محتوایی این اثر آگاه و یاری فرمایند.

فہرست مطالب

۱۸	کلیات
۱۸	تعریف اصول فقہ
۲۰	مؤسس علم اصول فقہ
۲۰	اولین نویسنده در علم اصول فقہ
۲۰	موضوع علم اصول فقہ
۲۱	فایده و منفعت علم اصول فقہ

باب اوّل: مبحث الفاظ

۲۳	فصل اوّل: وضع الفاظ
۲۳	وضع الفاظ
۲۴	وضع
۲۴	ارکان وضع
۲۵	اقسام وضع
۲۵	وضع تعینّی
۲۶	وضع تعینّی
۲۸	اقسام وضع تعینّی
۳۰	دلالت
۳۱	حالات دلالت لفظ بر معنا
۳۱	نص
۳۲	ظاہر
۳۳	مؤوّل
۳۴	مُجمل

۳۵	اقسام لفظ
۳۵	تقسیم اول از لفظ
۳۵	مترادف
۳۵	متباین
۳۶	مشترک لفظی (لفظ مشترک)
۳۷	مشترک معنوی
۳۷	مُختص
۳۸	تقسیم دوم از لفظ
۳۸	لفظ کلی
۳۸	لفظ جزیی
۳۹	حقیقت و مجاز
۴۲	شرایط صحت استعمال مجازی
۴۵	استعمال غلط
۴۶	علائم حقیقت و مجاز
۵۰	اقسام قرینه
۵۱	اقسام حقیقت و مجاز
۵۶	بحث حقیقت شرعی
۵۸	اصول لفظی
۵۹	أصالة الحقيقة
۶۰	أصالة العموم
۶۲	أصالة الاطلاق
۶۵	أصالت عدم التقدير
۶۶	أصالت عدم نقل
۶۷	أصالت عدم اشتراك
۶۸	أصالة الظهور
۶۹	مبنای اصول لفظی
۷۰	حُجَّتِ اصول لفظی
۷۰	استعمال لفظ در بیش از یک معنا
۷۱	صحیح و اعم در حقوق
۷۷	مشتق
۸۰	فصل دوم: اوامر
۸۰	اوامر
۸۰	اولین روش امر کردن
۸۱	دومین روش امر کردن
۸۱	سومین روش امر کردن
۸۳	چهارمین روش امر کردن

۸۳	ارکان آمر.....
۸۴	دلالت روش های آمر کردن بر وجوب.....
۸۵	مره و تکرار.....
۸۸	فور و تراخی.....
۹۰	آمر بعد از منع.....
۹۱	آمر بعد از آمر.....
۹۲	آیا آمر کردن کاری به مأمور با آگاهی از فقدان مأمور به جایز است؟.....
۹۳	حکم شرعی.....
۹۳	اقسام حکم شرعی.....
۹۳	حکم تکلیفی و وضعی.....
۹۶	حکم واقعی و ظاهری.....
۹۷	اقسام حکم واقعی.....
۹۷	حکم مولوی و ارشادی.....
۹۸	حکم تأسیسی و امضایی.....
۹۹	نسخ و وجوب.....
۹۹	مسئله ضد.....
۹۹	اجزاء.....
۱۰۰	اقسام واجب.....
۱۰۰	واجب عینی و کفایی.....
۱۰۰	واجب نفسی و غیره.....
۱۰۱	واجب تعبدی و توصلی.....
۱۰۲	واجب تعینی و تخییری.....
۱۰۳	واجب اصلی و تبعی.....
۱۰۴	واجب مطلق و مشروط.....
۱۰۴	واجب منجز و معلق.....
۱۰۵	واجب موقت و غیر موقت.....
۱۰۵	اقسام واجب موقت.....
۱۰۵	اقسام واجب غیر موقت.....
۱۰۶	فصل سوّم: نواهی
۱۰۶	نواهی.....
۱۰۶	اولین روش نهی کردن.....
۱۰۷	دومین روش نهی کردن.....
۱۰۷	سومین روش نهی کردن.....
۱۰۸	چهارمین روش نهی کردن.....
۱۰۹	پنجمین روش نهی کردن.....

۱۰۹	ارکان نهی
۱۱۰	دلالت روش های نهی کردن بر حرمت
۱۱۱	مره و تکرار
۱۱۳	فور و تراخی
۱۱۵	منظور از نهی، کف نفس است یا صرف ترک؟
۱۱۶	شباهت های امر و نهی
۱۱۶	تفاوت های امر و نهی
۱۱۶	نهی از عبادات و نهی از معاملات
۱۱۶	اجتماع امر و نهی
۱۱۷	فصل چهارم: مباحثیم
۱۱۷	مفهوم و منطوق
۱۱۸	دلالت
۱۱۹	اقسام دلالت لفظ بر معنا
۱۲۱	اقسام منطوق
۱۲۱	منطوق صریح
۱۲۱	منطوق غیر صریح
۱۲۱	اقسام منطوق غیر صریح
۱۲۱	دلالت اقتضا
۱۲۲	دلالت تنبیه (ایماء)
۱۲۲	دلالت اشاره
۱۲۴	اقسام مفهوم
۱۳۰	مفهوم موافق
۱۳۲	مفهوم مخالف
۱۳۳	مفهوم شرط
۱۳۷	مفهوم حصر
۱۳۹	مفهوم غایت
۱۴۲	مفهوم عدد
۱۴۵	مفهوم وصف
۱۴۸	مفهوم لقب
۱۴۹	فصل پنجم: عام و خاص
۱۴۹	عام و خاص
۱۵۱	اقسام عام
۱۵۱	عام مجموعی
۱۵۲	عام افرادی (استغراقی)
۱۵۳	عام بدلی
۱۵۳	عام و خاص نسبی هستند

۱۵۴	تخصیص
۱۵۵	انواع مخصّص
۱۵۵	قسم اوّل از انواع مخصّص
۱۵۵	مخصّص متصل (چسبیده)
۱۵۵	مخصّص منفصل (جدا)
۱۵۶	انواع مخصّص متصل
۱۵۸	قسم دوّم از انواع مخصّص
۱۵۸	مخصّص انطی
۱۵۹	مخصّص غرافظی (آبی)
۱۶۰	قسم سوّم از انواع مخصّص
۱۶۵	مخصّص بین
۱۶۵	مخصّص مجمل
۱۶۷	سرایت اجمال از مخصّص مجمل به عام
۱۶۹	تخصیص اکثر
۱۷۰	آیا مفهوم می تواند عام را تخصیص یابد؟
۱۷۱	عملی به عام قبل از فحّص (جست و جی) مخصّص
۱۷۳	آمدن یک مخصّص بعد از چند جمله
۱۷۵	نسخ
۱۷۶	دوران (تردید) بین نسخ و تخصیص
۱۸۱	فصل ششم: مُطلق و مقید
۱۸۱	تعریف مطلق و مقید
۱۸۲	اطلاق و تقید نسبی هستند
۱۸۳	اطلاق و تقید متلازم یکدیگرند
۱۸۵	مقدّمات حکمت
۱۸۵	نبودن قرینه و نشانه تقید
۱۸۶	امکان تقید وجود داشته باشد
۱۸۶	متکلم در مقام بیان باشد
۱۸۸	نبودن قدر متّین در مقام تخاطب (گفت و گو)
۱۸۹	نبودن انصراف به جهت کثرت استعمال
۱۹۳	حمل مطلق بر مقید
۱۹۴	فصل هفتم: مُجمل و مُبین
۱۹۴	مُجمل و مُبین
۱۹۵	اقسام مبین
۱۹۸	تأخیر بیان
۱۹۸	انواع تأخیر بیان

باب دوم: ادله استنباط احکام

۲۰۰		ادله استنباط احکام
۲۰۱		فصل اول: قرآن
۲۰۱		قرآن
۲۰۲		تقسیم بندی سوره های قرآن از نظر زمانی
۲۰۲		مسائل مطرح شده در قرآن
۲۰۲		آیات الأحکام
۲۰۳		قرآن قطعی الصدور است
۲۰۳		برخی آیات قرآن ظنی الدلالة هستند
۲۰۴		آیا ظاهر قرآن حجت است؟
۲۰۵		آیا نسخ در قرآن رخ داده است؟
۲۰۶		آیا تخصیص در قرآن رخ داده است؟
۲۰۷		فصل دوم: سنت
۲۰۷		تعریف سنت
۲۰۸		حدیث (خبر / روایت)
۲۰۹		دلایل حجیت سنت
۲۱۰		کاربرد سنت در فقه و حقوق اسلامی
۲۱۲		اقسام حدیث از نظر تعداد راویان
۲۱۳		حدیث متواتر (خبر متواتر / روایت متواتر)
۲۱۳		حدیث واحد (خبر واحد / روایت واحد)
۲۱۴		اقسام خبر متواتر
۲۱۵		اقسام خبر واحد
۲۱۸		نمونه هایی از مواد قانون که مقنن با توجه به سنت وضع نموده است
۲۱۹		فصل سوم: اجماع
۲۱۹		اجماع
۲۲۰		ارکان اجماع
۲۲۲		اجماع حدسی
۲۲۳		اجماع سکوتی
۲۲۳		حجیت اجماع
۲۲۴		اقسام اجماع
۲۲۴		اجماع محصل
۲۲۴		اجماع منقول
۲۲۴		اجماع مدرکی
۲۲۴		اجماع غیر مدرکی

۲۲۵	فصل چهارم: قیاس
۲۲۵	تعریف قیاس
۲۲۷	اقسام قیاس
۲۲۷	قیاس اولویت
۲۲۹	قیاس آذنی
۲۳۰	قیاس مساوات
۲۳۲	قیاس منصوص العله
۲۳۳	قیاس مستنبط العله
۲۳۵	قیاس جلی و خفی
۲۳۷	تحقیق مناط
۲۳۸	تنقیح مناط
۲۳۹	اقسام تنقیح مناط
۲۴۰	تخریج مناط (وحدت ملاک / احواله)
۲۴۱	شرایط قیاس
۲۴۲	فصل پنجم: عقل
۲۴۲	تعریف دلیل عقلی
۲۴۳	انواع دلیل عقلی
۲۴۴	مقدمه و ذی المقدمه
۲۴۵	اقسام مقدمه
۲۴۵	تقسیم اول از مقدمه
۲۴۵	مقدمه عقلی
۲۴۵	مقدمه شرعی
۲۴۵	مقدمه قانونی
۲۴۵	مقدمه عادی
۲۴۵	تقسیم دوم از مقدمه
۲۴۵	مقدمه داخلی
۲۴۵	مقدمه خارجی
۲۴۶	تقسیم سوم از مقدمه
۲۴۶	مقدمه صحت
۲۴۶	مقدمه علم
۲۴۷	مقدمه شرط
۲۴۷	مقدمه نفوذ
۲۴۸	مقدمه عدم مانع
۲۴۸	مقدمه مقتضی
۲۴۹	مقدمه معد
۲۴۹	مقدمه علت تامه
۲۴۹	مقدمه سبب

۲۵۰	 مسئله مقدّمه واجب
۲۵۱	 مسئله مقدّمه حرام
۲۵۲	 اذن در شیء، اذن در لوازم آن است
۲۵۴	 مسئله ضد
۲۵۶	 اجتماع امر و نهی
۲۵۸	 نهی از عبادات و معاملات
۲۶۲	 قاعده تلازم بین حکم عقل و شرع
۲۶۲	 ادله حجّیت عقل از دید اصولیون شیعه
۲۶۳	 فصل ششم: استحسان
۲۶۳	 تعریف استحسان
۲۶۴	 حجّیت استحسان
۲۶۵	 فصل هفتم: مصالح مرسله
۲۶۵	 تعریف مصالح مرسله (استصلاح)
۲۶۶	 تفاوت استحسان و استصلاح
۲۶۶	 حجّیت استصلاح
۲۶۷	 فصل هشتم: سدّ ذرایع
۲۶۷	 تعریف سدّ ذرایع
۲۶۸	 حجّیت سدّ ذرایع
۲۶۹	 فصل نهم: فتح ذرایع
۲۶۹	 تعریف فتح ذرایع
۲۶۹	 حجّیت فتح ذرایع
۲۷۰	 فصل دهم: عرف
۲۷۰	 تعریف عرف
۲۷۰	 اقسام عرف
۲۷۲	 حجّیت عرف
۲۷۴	 تعریف مُدّ
۲۷۴	 تفاوت عرف و مُدّ
۲۷۴	 تعریف عادت
۲۷۴	 تفاوت عرف و عادت
۲۷۵	 اقسام عادت
۲۷۶	 فصل یازدهم: سیره عقلاء و مُتشرعه
۲۷۶	 سیره عقلاء و متشرعه
۲۷۷	 حجّیت سیره عقلاء و متشرعه
۲۷۸	 فصل دوازدهم: شهرت فتوایی
۲۷۸	 تعریف شهرت فتوایی
۲۷۸	 حجّیت شهرت فتوایی

باب سوّم: اصول عملیه

۲۷۹	اصول عملیه
۲۸۱	علّت رجوع به اصول عملیه
۲۸۱	اقسام اصول عملیه
۲۸۲	فصل اوّل: اصل استصحاب
۲۸۲	اصل استصحاب
۲۸۳	ارکان استصحاب
۲۸۴	شرایط اجرای اصل استصحاب
۲۸۵	اقسام استصحاب
۲۸۵	استصحاب وجودی و استصحاب عدمی
۲۸۶	استصحاب حکمی و استصحاب موضوعی
۲۸۷	استصحاب حکم شرعی و استصحاب حکم عقل
۲۸۸	استصحاب سببی و استصحاب سببی
۲۹۰	شک در مقتضی، شک در وجود رافع و شک در رافعیّت موجود
۲۹۴	استصحاب جزئی و استصحاب کلی
۲۹۵	اقسام استصحاب کلی
۲۹۵	استصحاب کلی قسم اوّل
۲۹۶	استصحاب کلی قسم دوّم
۲۹۷	استصحاب کلی قسم سوّم
۲۹۸	ادله حجّیت استصحاب
۲۹۹	شک ساری (قاعده یقین)
۳۰۰	استصحاب قهقرایی
۳۰۰	اصل عدم
۳۰۰	تفاوت اصل عدم و استصحاب عدمی
۳۰۱	اصل تأخّر حادث
۳۰۲	اصل مثبت
۳۰۴	علم اجمالی و شک بدوی
۳۰۵	شبهه حکمیه
۳۰۵	شبهه موضوعیه
۳۰۶	شبهه حکمیه وجوبیه و تحریمیه
۳۰۶	شک در مکلف به
۳۰۷	فرق شبهه موضوعیه و شک در مکلف به
۳۰۸	متباینین و اقل و اکثر
۳۱۰	متباینین محصوره و غیر محصوره
۳۱۱	اقل و اکثر ارتباطی و استقلالی
۳۱۲	دوران بین محذورین

۳۱۳	فصل دوم: اصل برائت
۳۱۳	اصل برائت
۳۱۸	ادله حجیت اصل برائت
۳۲۰	فصل سوم: اصل احتیاط
۳۲۰	اصل احتیاط
۳۲۳	فصل چهارم: اصل تخییر
۳۲۳	اصل تخییر
۳۲۴	تخییر بدوی و استمراری
۳۲۵	مبحث اجزاء در حقور
۳۲۷	فصل پنجم: تعارض ادله و اصول
۳۲۷	تعارض استصحاب و برائت
۳۲۸	تعارض استصحاب و احتیاط
۳۲۸	تعارض استصحاب و تخییر
۳۲۹	تعارض استصحاب و قاعده قیومه
۳۳۰	تعارض قاعده صحت و استصحاب
۳۳۰	تعارض استصحاب سببی و مسببی
۳۳۱	تعارض قاعده ید و استصحاب
۳۳۲	تعارض قاعده فراغ و تجاوز با استصحاب
۳۳۳	تعارض و تراحم
۳۳۵	اقسام تعارض
۳۳۵	تعارض واقعی (تعارض مستقر)
۳۳۶	تعارض ظاهری (تعارض غیر مستقر)
۳۳۷	اقسام تراحم
۳۳۹	تراجیح (مرجحات)
۳۴۰	ورود
۳۴۱	تخصّص
۳۴۲	تخصیص و حکومت

باب چهارم: اجتهاد و تقلید

۳۵۰	فصل اوّل: اجتهاد
۳۵۰	اجتهاد
۳۵۰	مجتهد و مقلّد
۳۵۰	اقسام اجتهاد
۳۵۰	اجتهاد مشروع
۳۵۰	اجتهاد ممنوع
۳۵۰	اقسام اجتهاد مشروع
۳۵۰	اجتهاد تجرّی
۳۵۰	اجتهاد مطاع
۳۵۱	تخطئه و نصوب
۳۵۲	فصل دوّم: تقلید
۳۵۲	تقلید
۳۵۳	تقلید در اصول دین و فروع دین
۳۵۳	تقلید از اعلم
۳۵۳	تقلید از مَیّت
۳۵۳	تقلید ابتدایی
۳۵۳	تقلید استمراری
۳۵۴	کتاب نامه

کلیات

تعریف اصول فقه

پیش از تعریف «علم اصول فقه»؛ لازم است توضیح مختصری در مورد «علم فقه» بیان کنیم.

معنای لغوی فقه

«فقه» در لغت به معنای «فهم» است.^۱

معنای اصطلاحی فقه

«فقه» در اصطلاح علمی است که فقیه به وسیله آن؛ احکام شرعی را از أدلة تفصیلی به دست می آورد.^۲ «أدلة تفصیلی» یعنی «قرآن»، «سنت»، «اجماع» و «عقل»؛ که هر یک از این موارد را در جای خود به طور مفصل توضیح خواهیم داد.

برای توضیح «علم فقه»؛ به این مثال‌ها دقت کنید:

مثال اول: آیه ۳۸ سوره مبارکه مائده: «الْسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»؛ دستان مرد سارق و زن سارق را قطع کنید.

گفتیم که «علم فقه» علمی است که؛ فقیه به وسیله آن احکام شرعی را از أدلة تفصیلی به دست می آورد. در این جا؛ فقیه به وسیله علم فقه؛ حکم شرعی سرقه را از قرآن (که یکی از أدلة تفصیلی است) به دست می آورد و می گوید: مجازات زن و مرد سارق این است که باید دستشان قطع شود.^۳

مثال دوم: پیامبر ﷺ می فرماید: «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ»؛ هر کس زمین موات را آباد کند، آن زمین مال او خواهد بود.^۴

در این مثال هم؛ فقیه، به وسیله علم فقه؛ حکم شرعی آباد کردن زمین موات را از سخن پیامبر ﷺ (سنت^۵ / که یکی از أدلة تفصیلی است) به دست می آورد و می گوید: هر کس زمین موات را آباد کند، آن زمین مال او خواهد بود.^۶

۱. لسان العرب، ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، ج ۱۰، ص ۳۰۵؛ معجم المقاییس اللغة، ابن فارس، احمد بن فارس، ج ۴، ص ۴۴۲؛

اساس البلاغة، زمخشری، ابی القاسم محمود بن عمر، ص ۳۴۶؛ مجمع البحرین، طریحی، فخر الدین بن محمد، ج ۴، ص ۳۵۵.

۲. الفقه هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية؛ معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین، ص ۲۶.

۳. بند ۱ ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حد سرقه در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق است.

۴. وسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۷، ص ۳۲۷، باب ۱، ح ۶.

۵. «سنت» دارای اقسامی است که در جای خود؛ به طور مفصل بررسی می شوند.

۶. ماده ۱۴۳ قانون مدنی: هر کس از اراضی موات و مباحه، قسمتی را به قصد تملک احیا کند، مالک آن قسمت می شود.